

## نقش دولت در اداره امور تعاونیها

دکتر آر. سی. دویی ودی

برای تحقق اهداف دولت در تعاونیهای کشورهای در حال توسعه، دولت های منطقه خود را عمیقاً موظف می دانند توسعه و تنوع تعاونیها را تسریع کنند. به عنوان یک سیاست پذیرفته شده، دولت ها نقش ها و مسؤولیت های چندی در قبال تعاونیها بر عهده گرفته اند. از استراتژی ها و روشهای مختلفی برای حمایت از توسعه تعاون استفاده شده که آنچه در زیر آمده به طریقی بین همه مشترک است و عمده ترین زمینه های تعهدات دولت را در برابر تعاونیها شامل می شود:

- تصویب مقررات اداری تعاونیها،
- تدوین سیاست های مرتبط با تعاونیها،
- برنامه ریزی برای تعاونیها و از جمله تعیین اولویت ها و مشخص کردن هدف،
- حمایت محرکات متعدد،
- گسترش آموزش عمومی و حرفه ای،
- ایجاد فعالیت های مشترک مثل خرید و فروش مشترک،
- مدیریت و سرپرستی،
- تضمین هایی در قبال تعاونیها.

### تصویب قوانین تعاونی

دولت های همه کشورهای منطقه قوانین خاص اداره تعاونیها دارند. در هندوستان و استرالیا تعاون یک مسأله دولتی و استانی است. لذا، در هر استان یا ایالت قوانین خاص تعاونی وجود دارد. در هندوستان طبق قانون سال ۱۹۴۸ مقرر شده که حوزه عمل تعاونیها از مرز استان فراتر باشد. این قانون قبلاً در سال ۱۹۴۲ تصویب شده بود. قوانین ایالتی هندوستان چهار چوب های مشابهی دارد هر چند با یکدیگر متفاوت نیز هستند. در سری لانکا براساس تغییرات جدید اداری استانها استقلال زیادتری پیدا کرده اند و قرار شره تعاونیها به استان ها واگذار شود. در دیگر کشورها یعنی بنگلادش، اندونزی، جمهوری کره، ژاپن، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، تعاونگری یک مسأله ملی است و در نتیجه قوانین تعاونی، ملی هستند. سنگاپور و تایلند برای کلیه تعاونیها یک قانون ملی دارند. در بنگلادش قانون شرکت های تعاونی سال ۱۹۴۰ جای خود را به قانون سال ۱۹۸۴ داده است. در ژاپن، جمهوری کره، فیلیپین، پاکستان، و اندونزی بیش از یک قانون وجود دارد. در اندونزی قانون عمده «قانون مقررات اساسی

تعاونیهای اندونزی» نام دارد. در پاکستان علاوه بر قانون کلی تعاون، برای شرکت های تعاون زراعی قانون مستقل وجود دارد. در ژاپن ۵ قانون تعاونی به نام های زیر وجود دارد:

- قانون تعاونیهای زراعی
- قانون تعاونیهای مصرف
- قانون تعاونیهای صیادی
- قانون تعاونیهای جنگلداری
- قانون تعاونیهای کوچک و متوسط

در جمهوری کره قانون تعاونی زراعی، قانون تعاونیهای صیادی، قانون تعاونیهای اعتباری، و قانون تعاونیهای دامپروری وجود دارد. در فیلیپین چهار قانون، امریه ریاست جمهوری به شماره ۱۷۵، امریه ریاست جمهوری شماره ۲۶۹، امریه ریاست جمهوری شماره ۷۷۵ و امریه شماره ۸۹۸ وجود دارد. در قانون اساسی نیز چند ماده به تعاون ارتباط دارد.

مضامین مشترک قوانین تعاونی کلیه کشورهای منطقه به ثبت تعاونیها، مدیریت تعاونیها، وظایف و حقوق اعضاء، حسابرسی و بازرسی تعاونیها حل اختلافات، انحلال تعاونیها و مانند آن مربوط می شود. با این همه، ماهیت و رویکرد این قوانین با هم تفاوت دارند. در حالی که قوانین ژاپن و جمهوری کره عمدتاً در جهت تقویت و استقلال تعاونیها وضع شده، در بنگلادش، هندوستان، پاکستان، و سری لانکا دولت ها قدرت زیادتری برای کنترل و محدود کردن کار تعاونیها دارند. در اندونزی، سنگاپور، تایلند، فیلیپین و کره برای دولت در تعاونیها نقش هایی تعریف شده، ولی این نقش ها محدود است. قوانین تعاونی هندوستان و سری لانکا جامع و در بر دارنده جزئیات بیشتری برای اداره تعاونیها است.

## سیاست حمایتی

دولت های بسیاری از کشورها منطقه سیاست هایی درباره تعاون دارند. در بنگلادش یک سیاست ملی درباره سازماندهی و مدیریت تعاونیها برای توسعه نهضت تعاون به عنوان یکی از ابزار مهم عدالت اجتماعی اعلام شده است. در هندوستان شورای ملی توسعه، بالاترین مرجع سیاستگذاری برنامه ریزی، یک قطعنامه ملی در سال ۱۹۵۸ تصویب کرده و در آن نقش دولت، اهداف و الگوهای توسعه تعاون، و نقش مهم و حیاتی افراد عادی (غیردولتی) تشریح شده است. برای ارائه طرح تفصیلی اجرای این قطعنامه یک کارگروه تشکیل شده است. همچنین، در اسناد برنامه پنجم ساله عمرانی و قطعنامه های سیاست صنعتی به نقش مهم تعاونی پرداخته اند. در قطعنامه سیاست صنعتی سال ۱۹۵۶ تأکید شده که «اصل تعاونگری باید در هر جا امکان داشته باشد تحقق یابد و به تدریج در صد فعالیت های بخش

خصوصی در جهت بهتر شدن تعاونیها افزایش پیدا کند.» در برنامه سوم عمرانی نقش تعاونیها «در اقتصاد برنامه ریزی شده تحقق اهداف سوسیالیسم و دموکراسی» تعریف شده و آمده است که «تعاونیها باید مرتباً براساس اصول مشخص در زندگی اقتصادی و به ویژه کشاورزی ... رشد سریع بخش تعاون با تأکید خاص بر نیازهای کشاورزان و کارگران و مصرف کنندگان به عنوان یک عامل تحریک اجتماعی تعریف شده»، و هدف اینها را «افزایش اشتغال و رشد سریع تر اقتصادی» دانسته اند. همچنین در سال ۱۹۷۷ دولت جاناتا یک مصوبه ملی برای تعاونیها به تصویب رساند و برنامه ای شامل ۴۲ نکته ارائه داده ولی بین دو مورد یاد شده تفاوت اساسی وجود ندارد و دومی را می توان تأکیدی بر مورد نخست دانست.

در مالزی سیاست مالی تعاون در برنامه های پنج ساله گنجانده می شود. در تایلند دولت در ۲۰مه ۱۹۸۳ یم سیاست ملی به تصویب مجلس رسانده که در آن آمده است: «ازمؤسسات زراعی، به ویژه تعاونیها باید حمایت کرد زیرا اینها با منافع کشاورزان سروکار دارند و باید هرچه کارآمدتر باشند.» در جمهوری کره قانون تعاونیهای کشاورزی سال ۱۹۸۳ سیاست دولت بدین شرح مشخص شده است: «کلیه وزرای دولت باید از تعاونیها و فدراسیون مربوط فعالانه حمایت کنند و تسهیلاتی در اختیار آنها قرار دهند.»

«لازم است دولت کمک های لازم را در اختیار تعاونیها و فدراسیون قرار دهد؛ اینها باید در بودجه های سالانه گنجانده شوند.»

«رئیس فدراسیون نماینده دولت در اقدامات توسعه ای تعاونیها و فدراسیون باشد.»

در سری لانکا سیاست ملی خاصی برای تعاون وجود ندارد. اما در هر نوبت نطق افتتاحی سلطان در مجلس در دهه ۱۹۶۰ مطالبی در این مورد مطرح شده است.

همچنین، دولت ها سیاست هایی در مورد گروههای خاص مردم و تعاونیهای مختلف تدوین می کنند تا از توسعه تعاون اطمینان حاصل کنند. در مالزی برای تعاونیهای منتخب از جمله تعاونیهاس روستایی، مدارس، ناحیه ای و غیره سیاست هایی وضع شده است. به همین ترتیب در تایلند سیاست هایی برای بوجاری برنج و بازاریابی آن محصولات تعاونیهای کشاورزی، ایجاد زیر ساخت های تثبیت کشاورزی، و اعطای وام سبک به تعاونیها برای سرمایه گذاری های ضروری وضع شده است.

در هندوستان غیراز سیاست ملی تعاون سیاست های ویژه ای نیز در برنامه های پنج ساله گنجانده می شود که در آن نقش و جایگاه تعاونیها اعم از کوچک و بزرگ، صنعتی، کشاورزی تبدیل محصولات

زراعی و بازاریابی آن، پرورش دام و تولید لبنیات، بهسازی زندگی قبایل، توسعه نساجی، کمک به بخش های ضعیف جامعه، توزیع کالاهای اساسی، تبدیل غلات و غیره مشخص می شود.

لازم است سیاست بلند مدت دولت در قبال تعاون صریح و بر حسب اولویت مشخص شود، و وزارتخانه ها یا ادارات کل ذیربط، و نیز حکومت های محلی در آن نقش داشته باشند. گفته شده که در بعضی از کشورها سیاست های اعلام شده دقیقاً به اجرا در نمی آیند. همچنین، در برخی از کشورها سیاست ها تدوین می شود ولی مرتباً آنها را تغییر می دهند که خواه ناخواه به جای کمک به تعاونیها مانع رشد آنها می شوند. علاوه بر سیاست های مرتبط با تعاونیها، سیاست هایی دیگری نیز وجود دارد که مستقیم یا غیر مستقیم در تعاونیها تأثیر می گذارد؛ برای مثال می توان از سیاست صدور پروانه، سیاست قیمت گذاری، سیاست مالی و پولی، سیاست صنعتی، سیاست بازرگانی، سیاست کاری و غیر نام برد. این سیاست ها بر تعاونیها، و به طور کلی بر وضعیت مالی و اجتماعی نهادهایی از این نوع تأثیر می گذارند. در اغلب مواقع این سیاست ها با توجه به تعاونیها اتخاذ می شوند. با این حال، همواره نمی توان گفت که چنین سیاست هایی به دلایل متعدد به نفع تعاون هستند.

### **برنامه ریزی برای تعاونیها**

هریک از کشورهای در حال توسعه منطقه برای توسعه اقتصادی برنامه هایی دارند. دولت ها یا تعهد نسبت به حمایت از توسعه تعاونیها در بخش های مختلف اقتصادی در برنامه ریزی هایشان دستورالعمل ها، اولویت ها، و برداشت هایی برای تعاونگران تعیین می کنند ضمن اینکه اهداف فیزیکی (مادی) نیز برای آنها مشخص کرده، راههای تأمین بودجه را تعیین یا پیش بینی می کنند. ضمناً طرحها و برنامه های مذکور تا حد امکان متنوع است.

در ژاپن تعاونیها طرحهای ملی خود را بر حسب اولویت های مورد نظر هر یک از تعاونیها تدوین می کنند. در مورد تعاونیهای زراعی سیاست اصلی حرکت را کنگره های سه سالانه تعیین می کند تا بر اساس آنها برنامه های سالانه تدوین گردد. اولویت های مذکور در راستای اولویت های ملی تعریف می شود. ولی این لزوماً بدان معنی نیست که تعاونیها همیشه مطابق اولویت های ملی پیش می روند. در جمهوری کره نیز طرح ها توسط سازمانهای فدراتیو تدوین می شود. سنگاپور تعاونیها اولویت هایشان را در مجامع عمومی سه سالانه بر حسب سیاست ها و اهداف مشخص می کنند.

## حمایت مالی

کمک مالی دولت ها به تعاونیها کمک هایی بسیار با ارزش بوده است. این کمک ها به شکل وام با سود کم، کمک بلاعوض، و مشارکت در گردآوری سرمایه تعاونیها از طریق خرید سهم است. الگوها و میزان کمک ها برحسب کشورها متفاوت است. در بنگلادش وزارت عمران محلی، عمران روستایی و تعاونیها ضامن دریافت وام تعاونی از بانک مرکزی توسط بانک ملی تعاون است؛ بانک اخیر به تعاونیهای سنتی وام می پردازد. به همین ترتیب، بانک سوالی به تعاونیهای تحت حمایت عمران روستایی وام هایی می دهد که دولت ضامن آن است. در ژاپن به تعاونیها کمک نمی کنند، ولی اگر در تولید زراعی یا بازاریابی به کمک نیاز داشته باشند، وام های خاصی به آنها داده می شود که سود آن کم است- برای مثال می توان از وام برای نوسازی کشاورزی نام برد. در مورد پروژه های بزرگ نیز دولت مقادیری کمک بلاعوض در اختیار متصدیان قرار می دهد. از سایر جهات نهضت تعاون از لحاظ مالی به خود متکی است.

در هندوستان به هر سه شکل یاد شده دولت کمک های قابل ملاحظه ای در اختیار انواع تعاونی می گذارد. مشارکت دولت در خرید سهم از تعاونیها، مشابه هیچ یک از کشورهای منطقه نیست، هر چند در بنگلادش نیز این مشارکت وجود دارد. این مشارکت ها تأثیر خاصی بر تعاونیها دارد. در سری لانکا تعاونیها از کمک بلاعوض دولت برخوردار نیستند، ولی به طور معمول از بانک مردم وام می گیرند و دولت از سایر منابع به تعاونیها وام می دهد تا در شرایط حاد نسبت به توزیع مواد مصرفی اقدام کنند.

در هندوستان، تایلند و اندونزی دولت ها وام های پرداختی به تعاونیها را تضمین می کنند. در تایلند کمک بلاعوض دولت در اختیار نهضت تعاونی تایلند قرار می گیرد تا انحصاراً در آموزش عمومی و حرفه ای مصرف کند.

در جمهوری خلق کره دولت مبالغی به زیر ساخت ها و نوسازی های تعاونی کمک می کند: ایجاد فروشگاه، شبکه های تهیه مواد برای مراسم عمومی، شبکه خدمات مصرفی متعلق به تعاونیهای مصرف، ایجاد تأسیسات کوچک و متوسط آبرسانی، تلمبه خانه، شالیکوبی، آغل برای دامهای اهلی، انبار، مولد برق روستایی، واحدهای مسکونی استاندارد برای تعاونیهای کشاورزی و روستائیان همه از وام های کوتاه مدت و بلند مدت دولت و اعتبارات کم بهره که از بانک دولت دریافت می شود، تأمین می گردد.

در جمهوری کره دولت برای توسعه کشاورزی به تعاونیها کمک می کند. در فیلیپین کمک بلاعوض دولت به تعاونیها موردی است و مثلاً زمینه های مدیریتی، آموزش عمومی و حرفه ای، و کارهای کشاورزی و تأمین برق را شامل می شود. این کمک ها هم نقدی و هم جنسی است. طبق قانون بانک های روستایی، دولت موظف است قسمتی از سرمایه این بانک ها را تأمین کند که مبلغ آن به طور

معمول یک میلیون پزو است. دولت فیلیپین به سایر بانک های تعاونی نیز حداکثر ده میلیون پزو کمک می کند. همچنین منابعی برای آنها تأمین کرده یا وام هایی را که می گیرند تضمین می کند. در اندونزی کمک بلاعوض دولت موقتی است. در مالزی کمک دولت هم جنسی است هم نقدی.

کمک مالی دولت به تعاونیها برای ایجاد و تقویت تعاونیها بسیار اساسی است زیرا ساختارهای تعاونی، مخصوصاً در سطح روستاها، به گونه ای است که نمی توانند چنین مبالغی را تأمین کنند. در بعضی از کشورها دولت ها ناچارند به مردم وام بدهند تا حداقل سهام مقرر را از تعاونی بخرند و به عضویت آن در آیند.

## **بخشودگی مالیاتی و مزایا**

علاوه بر موارد یاد شده، که به تعبیر کمک مالی مستقیم است و به تعاونیها امکان تحرک زیادتر می دهد، دولت ها به صورت غیر مستقیم نیز به تعاونیها کمک می کنند که معافیت آنها از مالیات نمونه آن است. نحوه و میزان این کمک ها در کشورهای مختلف متفاوت است.

در چین تعاونیها از مالیات صنعتی و بازرگانی خارجی به مدت ۳ سال معافند و ۲۰ درصد مالیات بازرگانی داخلی آنها نیز بخشوده می شود. در تایلند تعاونیها از مالیات بر درآمد معافند و بابت ثبت تعاونی نباید هزینه پردازند. با این همه، مالیات بازرگانی را باید پردازند هر چند تعاونیهای کشاورزی بابت معاملات فی مابین، و دادوستد با اعضاء مالیات نمی پردازند. در اندونزی نیز مورد اخیر صادق است ضمن این که بابت صدور پروانه نیز از تعاونیها پولی دریافت نمی شود.

در فیلیپین مالیات بر درآمد همه مؤسسات غیرانتفاعی از جمله تعاونیها را شامل می شود. همچنین، علاوه بر تعاونیها کشاورزی تعاونیهای برق رسانی نیز از مالیات بر درآمد و مالیات بر واردات معاف هستند. تعاونیهای حمل و نقل به مدت ۵ سال از مالیات بر درآمد معافند. دولت های محلی (اعم از استانی، شهری، شهرداریها) نباید برای تعاونیها مالیات وضع کنند. در مالزی درآمد انواع تعاونی از مالیات بر درآمد تا ۵ سال معاف است؛ این تاریخ از زمان ثبت تعاونی آغاز می شود و از آن پس اگر سرمایه هر عضو تعاونی از ۵۰۰۰ رینگت کمتر باشد، همچنان معاف از مالیات بر درآمد است. در غیر این صورت باید مالیات پردازد.

در ژاپن در قانون تعاونیها زراعی آمده است: «مآزاد برگشتی قابل پرداخت به سهامداران عضو به نسبت دادوستد آنها با تعاونی تعیین می شود و به آن مالیات تعلق نمی گیرد». در جمهوری دموکراتیک خلق کره تعاونیها از سودشان مبلغ مشخص به دولت می دهند ولی تعاونی های صیادی و صنعتی ۶ ماه تا

یک سال پس از تأسیس از این مالیات معاف هستند. برای ثبت تعاونیها هزینه ای پرداخت نمی شود. در قانون تعاونیهاس زراعی جمهوری کره می خوانیم: «فعالیت بازرگانی و ثروت تعاونیها و فدراسیون تعاون از مالیات معافند.» در ماده ۹ قانون تعاونیهای صیادی نیز چنین مطلبی آمده است. طبق قانون ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۵ این بخشودگی منتفی شد، اما در جریان اجرای برنامه های ۵ ساله توسعه اقتصادی دولت احساس کرد که باید برای کار آمدتر شدن تعاونیها چنین معافیت هایی وجود داشته باشد. لذا در فاصله سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۱ تعاونیها باید مالیات می پرداختند اما از سال ۱۹۸۲ با تدوین سیستم پرداخت حداقل مالیات نرخ مالیات کاهش یافت و به صورت تابعی از سرمایه شرکت تعاونی درآمد. برای مثال اگر دارایی شرکت از ۵۰ میلیون وُن کمتر باشد مالیات ۲۰ درصد سود شرکت های بازرگانی است حال آن که در شرایط مساوی از تعاونیها ۵ درصد مالیات گرفته می شود.

در هندوستان معافیت از مالیات بر درآمد شامل این موارد است:

(۱) تعاونیها بانکداری یا آنهایی که برای اعضاء اعتبار تأمین می کنند، صنایع دستی، بازاریابی کشاورزی، تعاونی کارگری، تعاونیهای ضعیف تبدیل محصولات کشاورزی، تعاونیهای صیادی به شرط آن که حق رأی منحصر به اعضاء باشد؛

(۲) شرکت های تعاونی تهیه شیر، دانه های روغنی، میوه و سبزی اعضاء تعاونیها یا فدراسیون ها، و شرکت های دولتی. تعاونیهای مصرف نیز با درآمد زیر ۴۰۰۰۰ روپیه در سال معافند. برای سایر تعاونیها عدد ۲۰۰۰۰ در نظر گرفته شده است. تعاونیها برای ثبت نیز هزینه ای نمی پردازند.

## حمایت از برنامه های آموزشی

از حمایت های عمده ای که دولت های کشورهای در حال توسعه آسیا به عمل آورده اند، توسعه آموزش عمومی و حرفه ای تعاونیها است. در کلیه کشورهای منطقه تعاونگری به شیوه سنتی بخشی از الگوهای زندگی مردم بوده است. اما اخیراً تعاونگری به پدیده ای پیچیده تبدیل شده و به مبانی مسلکی، اهداف اقتصادی، و چشم انداز اجتماعی مجهز گردیده تا بتواند با اصول تعاون و قوانین هر کشور منطبق گردد. در اغلب کشورهای منطقه اغلب مردم، به ویژه روستائیان از این پیچیدگی ها خبر ندارند حال آن که باید با اصول، مفاهیم و اقدامات تعاونی به درستی آشنا باشند. دولت های کلیه کشورهای منطقه به این نیاز پی برده اند و حمایت مالی خودشان را به آموزش عمومی و حرفه ای تعاونیها تسری داده اند. در بنگلادش دولت به دو آکادمی، یعنی آکادمی عمران روستایی، و آکادمی بهسازی روستاها، یک دانشکده تعاون و ۸ مؤسسه منطقه ای در جهت هر دو نوع آموزش کمک می کند. در مالزی دولت «داده های

اساسی آموزش»، از جمله تأسیس دانشکده تعاون را تأمین می کند. در اندونزی اهداف آموزش عمومی و حرفه ای تعاون بدین شرح تعریف شده است:

- پرورش مدیر و ناظر از طریق افزایش مهارت ها و دانش و آموزش عمومی آنها به انضمام آگاه کردن شان به حقوق و وظایف خود.
- پرورش صلاحیت های حرفه ای مدیران برای اینکه خدمات بهتری به اعضاء و جامعه بنمایند؛ این کار با آموزش بازرگانی، افزایش دانش و مهارت، پرورش رهبر و ناظر، و آشنا ساختن کافی آنان با حقوق و وظایف شان میسر می شود.
- افزایش دانش و مهارت کارمندان دولت در زمینه های برنامه ریزی، اجرا، نظارت، راهنمایی، و ارزشیابی کارها بر اساس روحیه وفاداری تا بتوانند تعاونیها را در جهت توسعه و تقویت و خوداتکایی هدایت کنند.

در جمهوری دموکراتیک خلق کره کادر مدیریتی و مهندسیین ارشد در سازمانهای صنعتی، کشاورزی و بازرگانی آموزش می بینند. هر اتحادیه استانی دوره های آموزشی خاصی را در سازمان آموزشی خودش برای سران تعاونی و کارکنان برگزار می کند. در جمهوری کره آموزش عمومی و حرفه ای تعاونی توسط فدارسیون تعاونیهای کشاورزی برنامه ریزی و اجرا می شود. در تایلند دولت به نهضت تعاون در جهت اجرای فعالیت های آموزشی دو گانه کمک می کند. علاوه براین، دولت کمک های زیر را ارائه می دهد:

- تدوین برنامه برای هر دونوع آموزش تعاونی
- آماده سازی مواد آموزشی از جمله محتوای برنامه ها
- تأمین بخشی از هزینه ها
- اداره مراکز ملی و منطقه ای آموزشی و تأمین کتابخانه و تجهیزات برای آنها
- تأمین مربیان و مدرس منابع
- اجرای برنامه های پیگیری با همکاری اتحادیه تعاونی ها.

آموزش حرفه ای مدیریت از مسؤولیت های انستیتوی ملی تعاونیهای کشاورزی است. ادارات توسعه تعاون به این برنامه ها کمک و از آن حمایت می کنند. در فیلیپین دولت مسؤول تحقق و توسعه، آموزش عامه مردم در زمینه تعاونگری، آموزش افرادپیش از عضویت در تعاونیها، آموزش حرفه ای کارمندان و مدیران و اعضاء کمیته ها، آموزش مدیریت، و گنجاندن موضوعات تعاونی در برنامه های آموزشی است. تمام این اقدامات به هزینه دولت تأمین مالی می شود. در هندوستان دولت به اتحادیه ملی تعاون برای ایجاد مراکز و تسهیلات آموزشی برای کلیه دست اندرکاران تعاونیها کمک کرده است. در نتیجه، یک انستیتوی ملی، هشت دانشکده

آموزش تعاون، و هشتاد مرکز آموزش تعاون دارد. استخدام کارکنان این سازمانها، ونیز تأمین هزینه هاس شرکت در دوره های نیمه وقت یا تمام وقت آموزشی بر عهده دولت است.

در سری لانکا دولت دانشکده تعاون را برای تربیت بازرسان تعاونی و برگزاری دوره های آموزشی توجیهی برای سایر کارکنان اداره می کند. شورای ملی تعاون در مراکز ناحیه ای خود کارهای آموزشی را نظارت می کند. در ژاپن بلافاصله پس از جنگ دوم جهانی دولت به آموزش عمومی روی آورد تا افراد را با قوانین تعاونی، که سابقه نداشت، آشنا سازد. پس از تأسیس شرکت های تعاونی و سازمانهای بالاتر، به ویژه اتحادیه ها، دولت نیازی به دخالت در آموزش عمومی و حرفه ای ندیده است.

دولت های برخی از کشورهای منطقه کمک های مالی را افزایش داده و ترتیباتی اتخاذ کرده اند که کارکنان تعاونیها در جاهای دیگر، از جمله در ژاپن و هند دوره ببینند. همچنین، هریک از نهضت های تعاون برای خودشان دوره هایی برگزار می کنند که برای مثال می توان از مرکز آموزش تعاونیهای مصرف ژاپن اشاره کرد که در خدمت تعاونگری داخلی و خارجی است.

مسأله آموزش عمومی و اعضاء و آموزش حرفه ای کارکنان آنقدر گسترده است که تلاشهای انجام شده کافی نبوده است. تنها در هندوستان حدود ۲ میلیون عضو تعاونی باید آموزش عمومی و یک میلیون آموزش حرفه ای ببینند. اطلاع رسانی به اعضایی که آگاهی های عمومی آنان کم، و میزان مشارکت آنها نیز کم است. در نتیجه تعاونیها با مشکلات کوچک و بزرگ مواجه هستند. آن چه مورد نیاز است، ایجاد یک نهضت گسترده آموزش عمومی است که دولت به تنهایی از عهده آن بر نمی آید بلکه مسؤولیت رهبران و خود تعاونیها نیز هست. دولت ها می توانند حامی فعالیت تعاونیها باشند. آموزش عمومی باید یک فعالیت همگانی و منظم در هر تعاونی باشد، به اعضاء محدود نشود، خانواده ها را دربر بگیرد، و اعضاء بالقوه را نیز شامل شود. این موضوع را همه دست اندرکاران تأیید می کنند، اما به ندرت متوجه می شوند که اعضاء روشنفکر می توانند منابع عظیم قدرت برای تعاونیها و کارآیی آنها باشند.

## **تلاش مشترک**

تعاونیهای برخی از کشورها درزمینه های تعاونی، به ویژه سرمایه گذاریهای کلان همکاری را آغاز کرده اند. در فیلیپین نظام بیمه تعاونی با مشارکت تعاونیها و دولت ایجاد شده و دولت در آن ۱۰ میلیون پزو سرمایه گذاری کرده است. در هندوستان تعاونی کود شیمیایی با مسؤولیت محدود و نیز تعاونی کریشاک، از مؤسسات بزرگ تأمین کود کشاورزی، و یک تعاونی تأمین مواد اولیه نساجی به صورت مشترک ایجاد شده است. اصولاً در هندوستان این قضیه پیشرفت خوبی داشته و توانسته است به نوسازی کشاورزی کمک کند،

و کشور هند با صرفه جویی در ارز موفق بوده است. طبعاً بدون کمک و مشارکت دولت این پیشرفت ها امکان پذیر نمی شده است.

## **سایر حمایت ها**

علاوه بر افزایش حمایت مالی مستقیم از تعاونیها، دولت به صورت غیر مستقیم نیز از آنها حمایت می کند. در تایلند دولت زمین در اختیار خوش نشینان یا تعاونیها می گذارد. همچنین انبار کالا و سد مخزنی برای ذخیره آب تأمین می کند تا از زارعان و تعاونیها زراعی حمایت کند. تأمین واحدهای کوچک تولید برق روستایی (تعاونیهای برقی) و تأمین پمپ آب برقی برای طرحهای کوچک آب رسانی از دیگر حمایت های دولت است.

در فیلیپین دولت به کمک برنامه هایی تثبیت قیمت ها و تأمین برق و حمل و نقل به تعاونیها کمک می کند. در اندونزی امکانات شالیکوبی و بوجاری برنج برای تعاونیها فراهم شده است. در هندوستان از برنامه های برنج کاری تعاونیها حمایت می شود، دولت تا ۱۰ درصد برنج آنها را گرانتر می خرد، برای افراد بی بضاعت امکانات زمین دار شدن فراهم می سازد، اجازه می دهد بدون آگهی مناقصه محصولات تعاونی ها خریداری شود، برای خانه سازی اعضای تعاونی زمین تأمین می کند، در صدور پروانه تبدیل شکر به قند، یا تولید برای تعاونیها اولویت قایل می شود، و مواد خام تعاونیهای صنعتی را با اولویت تأمین می کند.

## **کمک بین المللی**

دولت های کشورهای آسیایی یا رأساً از دولت های خارجی یا سازمانهای بین المللی کمک دریافت می کنند، یا به تعاونیها اجازه این کار را می دهند. منابع کمک عبارتند از برنامه عمرانی ملل متحد، صندوق پس انداز آزاد وابسته به سازمان ملل متحد که به زنها کمک می کند، بانک عمران آسیایی، دفتر کمک های عمرانی استرالیا، آژانس بین المللی توسعه در کانادا، وزارت امور خارج فرانسه، سازمان های کمک های مردمی آلمان و ایتالیا، آژانس همکاریهای بین المللی ژاپن، صندوق عربستان سعودی برای توسعه.